



رها روزبهان

نمایشگاه زن در گذر زمان؛
موزه ملی ایران، ۲۵-۹ خرداد ماه ۱۳۸۹

تأثیر زنان بر تمدن بشری

نگاه‌های حضار را به توجیهی عمیق‌تر به خود جلب کرده است. مخصوصاً توریست‌هایی که به دیدن این نمایشگاه آمده‌اند و با شوق فراوان، عکاسی می‌کنند.

در کنار هر اثر، شناسنامه‌ی آن را هم قرار داده‌اند. از کنار هر کدام که رد می‌شوم، توضیحش را به طور کامل و دقیق می‌خوانم. اغلب (ونوس) ها به ابعاد کوچک ساخته شده‌اند و به علت نداشتن چهره انسانی، هویت شخصی ندارند. در این پیکره‌ها با بزرگتر نشان دادن برخی از اندام‌ها، بر نمادین بودن آنها به عنوان (الهه حاصل خیزی) و (الهه مادر) تأکید شده است. از نمونه‌های شاخص و قابل توجه این گونه پیکره‌ها در ایران " ونوس" های یافت شده از تپه سراب (کرمانشاه) و تپه زاغه (سگزآباد)، از اهمیت خاصی برخوردار هستند. در میان ونوس‌های یافت شده از تپه زاغه، تعدادی نمایانگر زنان باردارند و یکی هم کودکی در بغل دارد.

در کاوش‌های تپه سراب کرمانشاه، که " رابرت بریدوود" در سال ۱۹۶۹ میلادی انجام داد، در حدود ۶۵۰ پیکره انسانی به دست آمد که غیر از هجده عدد، بقیه پیکرک زن هستند. مشهورترین پیکرک انسانی به دست آمده از این تپه، پیکرک معروف به " ونوس سراب" است و پیکرک زنی را نشان می‌دهد که نشسته و پاهای خود را دراز کرده است.

ضمن این که نقش‌های انسانی ظروف سفالین پیش از تاریخ هم از ویژگی‌های ونوس برخوردار بودند و به تدریج با تکامل جوامع بشری و پیشرفت افکار و عقاید مذهبی، تغییرات زیادی هم در ساختن تجسمات ونوس ایجاد شد و از حالت ابتدایی خودش خارج شد.

بسیاری از این آثار در قبور و در کنار متوفی قرار داشته و با در آرامگاه‌های ابدی‌شان، پیدا شده‌اند. در بسیاری از این قبور، گذشته از آثار آیینی، وسایل روزمره و مورد استفاده زنان به دست آمده است مثل ظروف آشپزخانه، دوک‌های نقریسی،

بعدازظهر آفتابی و گرم یکی از روزهای خردادماه، آدرس سراسرت است. خیابان سی‌تیر، موزه ملی ایران. وارد موزه می‌شوم. نمایشگاه "زن در گذر زمان" به مناسبت ولادت حضرت فاطمه(س)، افتتاح شده است. باید به طبقه دوم بروم، تا از نزدیک با نقش زنان در طول تاریخ آشنا شوم. در طبقه دوم، نمایشگاه به سه قسمت دوران پیش از اسلام، دوران تاریخی و دوران اسلامی تقسیم شده است تا بینندگان تأثیر تحولات و ویژگی‌های منحصر به فرد زنان در سیر تکامل تمدن‌ها را به خوبی درک و احساس کنند.

فضای نمایشگاه، آرام است و همه‌مهای به چشم نمی‌خورد، چرا که بازدیدکنندگان، خود می‌دانند که این نمایشگاه با روال معمول فرق دارد. پس همه در کمال آرامشی و با دقت هر چه تمام‌تر، نظاره‌گر آثار هستند. در قسمت، دوران پیش از تاریخ هستم. راهنماهای موزه، اطلاعات دقیق را به بازدیدکنندگان منتقل می‌کنند. با کنار هم قرار گرفتن این آثار، بر اهمیت نقش زن، از ابتدایی‌ترین مراحل شکل‌گیری تمدن انسان تأکید می‌شود. من هم به گروهی از بازدیدکنندگان ملحق می‌شوم. راهنمای موزه در خصوص پیکره‌های معروف به (ونوس) می‌گوید: « شاید بتوان نخستین دست ساخته‌های آیینی انسان را پیکره‌های معروف " ونوس" دانست. انسان برای مقابله با عواملی چون قهر طبیعت و از بین بردن نیروهای مخالف خود، از ابتدایی‌ترین مواد موجود در طبیعت یعنی گل و سنگ، پیکره‌هایی می‌ساخته که امروزه، علاوه بر اهمیت باستان‌شناختی، به عنوان خلاقیت هنری هم مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.»

" ونوس ویلندورف" (ناحیه ای در اتریش) با قدمتی حدود بیست و پنج هزارسال، یکی از قدیمی‌ترین این پیکره‌ها شناخته شده است.

چیدمان بی شماری از آثار با ارزش تاریخی در کنار هم

۵۳



سوزن‌هایی با جنس سفال و فلزی و استخوانی، آیین‌های مفرغی، ظروف کوچک برای نگهداری مواد آرایشی و... نکته قابل توجه‌ای که در این نمایشگاه مراجعه‌کنندگان را به خود جلب می‌کرد، بازسازی یکی از همین قبور است. ماکت جسد زنی از دوران پیش از تاریخ را درون محفظه شیشه‌ای که حکم آرامگاه ابدی‌اش را دارد، قرار داده و بسیاری از وسائل روزمره و مورد استفاده زن را که البته همگی آنها اصل بودند، در کنار جسد زن قرار داشت. این بخش طرفدار بیشتری داشت و توریست‌ها سعی می‌کردند از این محفظه، بیشتر عکاسی کنند. به قسمت دوران تاریخی می‌روم. آرام آرام، آثار این قسمت را می‌بینم و نکاتی را یادداشت می‌کنم. در این بخش هم بینندگان از اطلاعات راهنما بهره‌مند می‌شوند. تمدن ایلام، در ابتدای هزاره سوم پیش از میلاد، در خوزستان آغاز شد و ۲۲ قرن به قسمت‌های جنوبی، جنوب غربی و تا اندازه‌ای در غرب ایران فرمانروایی داشته است. ایلامی‌ها در دوران حکومت خود، خدایان و الهه‌های مختلفی را پرستش می‌کردند. "شوش" و "هفت تپه" به شهرهای مقدسی که معابد مهم (زیگورات‌ها) در آنها قرار داشت، مبدل شدند تا خدایان بومی و بیگانه در کنارهم پرستش شوند.

در طول کاوش‌های صورت گرفته در شوش و هفت تپه، تعداد بسیاری از پیکره‌های گلی، در حالت‌های گوناگون یافت شده است. در بین این پیکره‌ها، پیکره‌های مادری که کودکش را در آغوش دارد و یا در حال شیر دادن است، بیشتر به چشم می‌خورد. تعدادی از آنها برهنه بوده و تعدادی هم نیمه برهنه و یا با لباس‌هایی به سبک رایج آن زمان، نمایش داده شده‌اند. این پیکره‌ها در نواحی و فرهنگ‌های مختلف، نمایانگر "الهه‌های مادر" با اسامی مختلف است و اغلب آنها را نماد ایزد بانوی آشوری-بابلی (ایشتار) می‌دانند. با حوصله آثار را می‌بینم. صدای راهنما را می‌شنوم که درباره زنان هخامنشی توضیح می‌دهد: ((در کاوش‌هایی که صورت گرفته، در ایران نقش یا مجسمه‌ای از زنان دیده نشده است. ولی آثار به جا مانده از هخامنشیان، ما را از نقش زنان در این دوره آگاهی می‌دهند. لوح‌های یافت شده از تخت جمشید، اطلاعات جامعی در مورد مشارکت زنان در امور مختلف از جمله امور سیاسی، مدیریت کارهای مختلف، تجارت و به ویژه همکاری با مردان در ساخت تخت جمشید خبر می‌دهند. آنها همانند مردان، دستمزد می‌گرفتند که حتی در برخی مواقع، دستمزدشان بیشتر از مردان بود.))

شوش، که در دوران کهن مرکز تحولات سیاسی و فرهنگی بوده، زمان تسلط سلوکیان و

اشکانیان هم از این تحولات به دور نماند. تعداد زیاد پیکره‌های یافت شده اشکانی، از این محل ما را با برخی ویژگی‌های فرهنگی و هنری این زمان آشنا می‌کند. این پیکره‌ها ارتباط مستقیمی با زندگی مردم معمولی دارند و از موضوعات متنوعی برخوردارند. این پیکره‌ها متأثر از الهه‌های اسطوره‌های یونانی ساخته شده‌اند و لباس‌هایی که بر تن دارند، سبک رایج لباس‌های یونانی را نشان می‌دهد. ضمن این که تعداد زیادی هم از سردیس‌هایی با سربندهای یونانی و شیوه آرایش موی یونانیان را به نمایش می‌گذارد.

به آخرین قسمت نمایشگاه می‌روم، که مربوط به دوران اسلامی است. آنچه که از دیدن آثار باقی‌مانده از قرون نخستین دوران اسلامی، متوجه می‌شوم این است که هنر متأثر از اعتقادات اسلامی، برخلاف هنر درباری و تجملی ساسانیان، به شیوه‌ای جدید جلوه‌گر شد و تصویر زنان با تغییراتی منطبق با شیوه جدید و نو بر سفالینه‌ها نقش بست. با به حکومت رسیدن اقوام چادرنشین و پس از آنها مغولان، زنان تحت تأثیر سنت‌های قبلیه‌ای، مانند برپا کردن خیمه و دیگر امور قبلیه با مردان، مشارکت داشته و حتی در مبارزه و جنگ با دشمنان؛ همراه مردان، سلاح به دست گرفته و می‌جنگیدند. زنان در سوارکاری و تیراندازی مثل مردان، ماهر و چالاک بودند و در بیشتر اوقات لباسی مشابه لباس مردان بر تن می‌کردند. این مشارکت در تصاویر موجود بر روی آثار به جا مانده از این دوران به ویژه بر ظروف فلزی و سفالی به خوبی قابل مشاهده است.

در زمان سلجوقیان، با گسترش ادبیات و هنر کتاب آرای، نقش زنان که در ابتدا به شکل کاملاً انتزاعی ترسیم می‌شد، به تدریج همراه با نقوش دیگر به طور کامل، هویدا شد. زنان در دوران صفویه، سهم بسیاری در گسترش و پیشرفت هنر داشتند. در دوران قاجار هم، زنان در عرصه هنر، تحت تأثیر هنر اروپا بودند، چرا که سلاطین قاجار، نقاشان مستعد و متبحر را از دربار به اروپا می‌فرستادند تا هنر روز را بیاموزند. البته هرچند که برخی از خصوصیات نگارگری ایران را هنوز در آن می‌توان دید.

برپایی نمایشگاه زن در گذر زمان، این نکته مهم را به ما گوشزد می‌کند که بررسی تحولات گسترده تمدن بشر، حاکی از نقش اساسی زنان در جوامع دوران مختلف است و پژوهش‌ها نشانگر آن است که زنان، تأثیر به‌سزایی در سیر تکامل تمدن‌ها دارند.

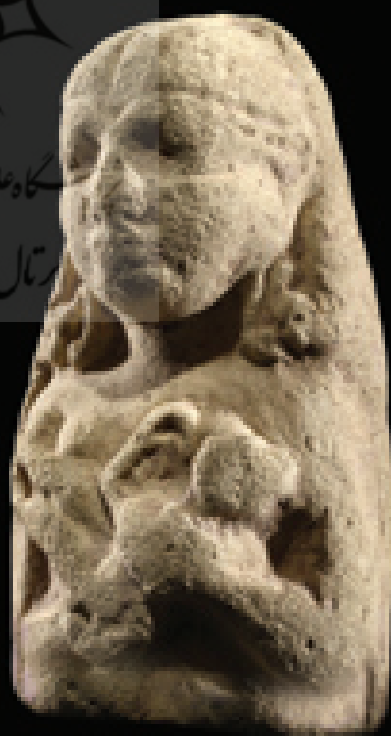
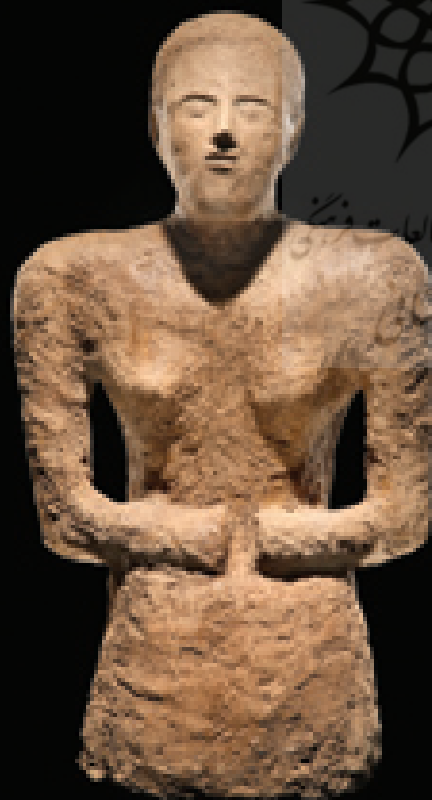
در دوران پیش از تاریخ، با جنس سفال و فلزی و استخوانی، آیین‌های مفرغی، ظروف کوچک برای نگهداری مواد آرایشی و... نکته قابل توجه‌ای که در این نمایشگاه مراجعه‌کنندگان را به خود جلب می‌کرد، بازسازی یکی از همین قبور است. ماکت جسد زنی از دوران پیش از تاریخ را درون محفظه شیشه‌ای که حکم آرامگاه ابدی‌اش را دارد، قرار داده و بسیاری از وسائل روزمره و مورد استفاده زن را که البته همگی آنها اصل بودند، در کنار جسد زن قرار داشت. این بخش طرفدار بیشتری داشت و توریست‌ها سعی می‌کردند از این محفظه، بیشتر عکاسی کنند. به قسمت دوران تاریخی می‌روم. آرام آرام، آثار این قسمت را می‌بینم و نکاتی را یادداشت می‌کنم. در این بخش هم بینندگان از اطلاعات راهنما بهره‌مند می‌شوند. تمدن ایلام، در ابتدای هزاره سوم پیش از میلاد، در خوزستان آغاز شد و ۲۲ قرن به قسمت‌های جنوبی، جنوب غربی و تا اندازه‌ای در غرب ایران فرمانروایی داشته است. ایلامی‌ها در دوران حکومت خود، خدایان و الهه‌های مختلفی را پرستش می‌کردند. "شوش" و "هفت تپه" به شهرهای مقدسی که معابد مهم (زیگورات‌ها) در آنها قرار داشت، مبدل شدند تا خدایان بومی و بیگانه در کنارهم پرستش شوند.

در طول کاوش‌های صورت گرفته در شوش و هفت تپه، تعداد بسیاری از پیکره‌های گلی، در حالت‌های گوناگون یافت شده است. در بین این پیکره‌ها، پیکره‌های مادری که کودکش را در آغوش دارد و یا در حال شیر دادن است، بیشتر به چشم می‌خورد. تعدادی از آنها برهنه بوده و تعدادی هم نیمه برهنه و یا با لباس‌هایی به سبک رایج آن زمان، نمایش داده شده‌اند. این پیکره‌ها در نواحی و فرهنگ‌های مختلف، نمایانگر "الهه‌های مادر" با اسامی مختلف است و اغلب آنها را نماد ایزد بانوی آشوری-بابلی (ایشتار) می‌دانند.

با حوصله آثار را می‌بینم. صدای راهنما را می‌شنوم که درباره زنان هخامنشی توضیح می‌دهد: ((در کاوش‌هایی که صورت گرفته، در ایران نقش یا مجسمه‌ای از زنان دیده نشده است. ولی آثار به جا مانده از هخامنشیان، ما را از نقش زنان در این دوره آگاهی می‌دهند. لوح‌های یافت شده از تخت جمشید، اطلاعات جامعی در مورد مشارکت زنان در امور مختلف از جمله امور سیاسی، مدیریت کارهای مختلف، تجارت و به ویژه همکاری با مردان در ساخت تخت جمشید خبر می‌دهند. آنها همانند مردان، دستمزد می‌گرفتند که حتی در برخی مواقع، دستمزدشان بیشتر از مردان بود.))

شوش، که در دوران کهن مرکز تحولات سیاسی و فرهنگی بوده، زمان تسلط سلوکیان و





سکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی